

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد

۱۲ سپتمبر ۲۰۱۵

بحران و جنگ سرمایه‌داری، عامل و مولد آوارگی و پناهندگی

هر روز فجایع و جنایاتی تازه، تکان‌دهنده و زجر آوری توسط خبرگزاری‌ها، به جهان مخابره می‌شود. مشاهده تصاویر، بسیار غم‌انگیز و دردناک است. موج انسان‌هایی که در اثر سیاست‌های حاکمان، زندگی‌شان به تباهی کشیده می‌شود، همچنان رو به بالاست. غرق شدن ده‌ها کودک، زن و مرد و جوان، در دریا، اقیانوس و همچنین کشف جسد ۷۱ تن در کامیون، در چند وقت اخیر، بازگفت تراژیدی است که جهان انسانی با آن رو در رو می‌باشد. از یکسو جنگ و مصیبت را بر میلیون‌ها انسان دردمند تحمیل نموده‌اند، از سوی دیگر، مانع خروج قربانیان نظام‌های امپریالیستی از فضای بمب و بمباران، خشم و خشونت‌اند.

حقیقتاً که درک ریشه‌ای این دست موضوعات، کار سخت و دشواری نیست. قصور کار معین است و مربوط به اوضاعی است که سرمایه‌داران جهانی برای کارگران و زحمت‌کشان ساخته‌اند. آن‌قدر بر دامنه و بر میزان ناامنی‌ها و جنگ‌ها افزوده‌اند، که انتخاب آینده نامعلوم، به یگانه انتخاب دردمندان و قربانیان نظام‌های ظالم تبدیل گردیده است. فرار میلیونی انسان‌ها از میادین جنگ‌های ارتجاعی و به تبع آن، تحمل خطرات متعدد، چهره جهان کنونی را تغییر داده است. در حقیقت توضیح و توصیف کامل دردهای بی‌شمار انسان‌های بی‌دفاع ناممکن می‌باشد و به جرأت می‌توان گفت، که جان آدمی در چنین مناسبات و با وجود دولت‌مردان زیاده‌خواه و استثمارگر، بی‌ارزش و بی‌معنا شده است. مرزها برای انتخاب زندگی چیده شده است، ورود به "حریم" حاکمان قلدر، هزینه‌های بس گزافی خواهند داشت. یورش و حشیانه پولیس سرمایه و به اصطلاح دولت چپ‌گرای یونان، به صدها انسان فرار از جهنم، آتش و خون، روشن‌گر ماهیت درونی و چهره کریه دولت‌مردان وابسته به طبقات بالاست.

این‌ها گوشه‌هایی هر چند کوچک از سیمای دنیای در هم پاشیده کنونی است و به‌طور یقین، دو نگاه و دو برخورد عملی متفاوت، نسبت به معضلات اجتماعی و همچنین نسبت به مهاجران و پناهندگان وجود دارد. اول نگاه مردم و دیگری نگاه دولت مردان و حکومت‌مداران، نسبت به این‌دست قضایاست. در نگاه اول، خالصی، همدلی، همپاری و پشتی‌بانی مردم از هم‌نوعان خود را می‌توان، بروشنی و در عکس‌العمل‌های زود هنگام، مشاهده نمود. تظاهرات چند صد هزار نفری مردم اتریش در فردای پس از کشف جسد ۷۱ تن و به‌دنباله آن، عزیمت به نوارهای مرزی به‌منظور یاری رساندن به کودکان، زنان، مردان و جوانان رانده شده از موطن خودی و همچنین امضای نزدیک به نیم میلیون نفر در انگلستان و آن‌هم در حمایت از آوارگان و جنگ‌زدگان طی دو سه روز، گواه این ادعاست، که تفاوت بس عظیمی، مابین نگاه و برخورد پائینی‌ها با بالائی‌ها، پیرامون پدیده پناهندگی و قربانیان نظام‌های امپریالیستی است. در این میان

سهم و حرکت مردم رسا و گویاست و در عوض، سهم و برخورد دولت‌مردان - و آنهم به‌عنوان مسببان حقیقی این دست فجاجع -، بسیار آشکار و صریح می‌باشد. به‌طور مثال «فیلیپ هاموند» وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید: "اگر اروپا قرار باشد میلیون‌ها مهاجر از آفریقا را جذب کند، قادر به محافظت از خود و حفظ استاندارد زندگی و زیرساخت‌های اجتماعی خود نخواهد بود".

وقیحانه است چنین اظهار و نظرات و در قاموس این جانیان، ریاکاری و دغل‌بازی، اندازه و حد و مرزی ندارد. دولت‌مردان انگلیس به همراه یاران‌شان و آن‌هم در سرتاسر دنیا، سیاست ریاضت‌کشی را بر میلیون‌ها انسان محروم تحمیل نموده‌اند و استانداردهای زندگی را به پائین‌ترین حد ممکن رسانده‌اند، میلیون‌ها انسان را از کار، بیکار و هزاران کودک و والدین‌شانرا به مراکز کمک‌های غذایی روانه ساخته‌اند و در همان حال، از حفظ استانداردهای زندگی مردم، و سفت و چفت‌تر نمودن زیرساخت‌های جامعه خودی سخن به‌میان می‌آورند!! تعرض یکی پس از دیگری و همچنین قطع امکانات و مزایای اجتماعی، یکی پس از دیگری به سیاست روزانه دولت‌مردان انگلستان تبدیل گشته است و آمارها - و خلاف گفته‌های «فیلیپ هاموند» -، حکایت از واقعیات دیگری دارد. حلقه‌ها، تنگ‌تر و زندگی مردم تباوتر و دست‌آوردها، لگدمال و جامعه، درب و داغان‌تر می‌شود. از یک‌طرف و در بیرون از جامعه خودی، جنگ به‌راه می‌اندازند و از طرف‌دیگر، راه‌های خروج از باتلاق دست‌سازشان را، به روی زن، کودک، پیر و جوان می‌بندند تا مبادا، روز و روزگاری، "استانداردهای" زندگی "مردم" و "زیرساخت‌های جامعه"ی‌شان افت نماید!!

دروغ می‌گویند و کار و بارشان، سازندگی و بهبودی زندگی مردم خودی نیست. چرا که انسان‌ها در چهارچوبه فکری علیل‌شان، به‌عنوان کالاهای سودده به‌حساب آمده و فاقد پائین‌ترین ارزش‌های انسانی‌اند و شکی در آن نیست، که صدها مصیبت رو در روی مردم جامعه خودی، و همچنین پدیده مهاجر و پناهندگی میلیون‌ها انسان، را می‌بایست و باید به پای سیاست‌های دولت‌مردان بین‌المللی و دیگر دار و دسته‌های مزدورشان نوشت. این جانیان، کار، وقاحت و دریدگی را به حدی رسانده‌اند که در مقابل چشمان میلیون‌ها انسان، به بی‌دفاع‌ترین و صدمه‌پذیرترین افراد و آن‌هم در مقابل زنان و کودکان خردسال‌شان، یورش می‌آورند و به ضرب و شتم آن‌ها می‌پردازند، تا مسیر و سیاست سرمایه، در تپه چاله‌های کنونی، از کار نیفتد. برآستی، سؤال این است که چرا انسان‌ها حاضر به ترک زندگی و خانه و کاشانه خود می‌شوند و با علم به تحقیر و توهین، و با رویارویی با مرگ، به دنیا و به آینده‌ای نامعلوم و بی‌افق، پای می‌گذارند؟

در یک کلام، پاسخ به پرسش بالا، در جنگ‌های امپریالیستی و در سیاست‌های تحمیلی و منفعت‌جویانه قدرت‌مداران بین‌المللی‌ست، در مقابل، پاسخ انقلابی و کمونیستی به وضعیت کنونی هم، در گرو نابودی و در به زیر کشیدن سلطه‌ی عده‌ای قلیل، از تاج و تخت‌شان می‌باشد. کتمانی در این حقیقت نیست که تا زمانی، سیاست و مناسبات ظالمانانه امپریالیست‌ها بر جوامع متفاوت بر کنده نشود، ابعاد جنگ، آوارگی و پناهندگی، و صدها معضل سیاسی - اجتماعی دیگر، وسیع‌تر و گسترده‌تر، و همچنین میلیون‌ها انسان دیگر، با فجاجع و با جنایات تازمتری روبه‌رو خواهند شد. به عبارتی روشن‌تر، قرن بیست‌ویکم، قرن توحش وسیع‌تر و قرن جنگ، خون و خون‌ریزی گسترده‌تر کارگران و زحمت‌کشان و محرومان خواهد بود. سیاست و اعمالی که ما این‌روزها، گوشه‌هایی از آن را، در مناطق و در قاره‌های متفاوت جهان کنونی به‌عینه مشاهده می‌کنیم. طبعاً چنین وضعیتی، خواست میلیون‌ها انسان و توده‌های دردمند نیست؛ این انتخاب سازندگان اصلی جوامع بشری نیست بلکه خواست و سیاست سرمایه‌داران بین‌المللی‌ست. بنابراین برگرداندن صفحه این بخش از تاریخ زندگی فلاکت‌بار میلیون‌ها انسان رنج‌دیده، در گشودن صفحه‌ای تازه می‌باشد؛ صفحه‌ای که در سخن از آرامش و صلح، و صفحه‌ای که متضمن آزادی و امنیت انسان‌ها در جوامع خودی، و همچنین، صفحه‌ای که در آن سخن از ختم پرونده بانیان و مسببان اوضاع کنونی می‌کند.

سپتامبر ۲۰۱۵ - شهریور [سنبله] ۱۳۹۴